

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه شهید باهنر کرمان

دانشکده مدیریت و اقتصاد

بخش اقتصاد

پایان نامه تحصیلی برای دریافت درجه کارشناسی ارشد علوم اقتصادی

تأثیر سیاست های پولی بر سطح بیکاری از طریق تحلیل منحنی فیلیپس
نیو کینزین در ایران

استاد راهنما:

دکتر سید عبدالمجید جلایی

استاد مشاور:

دکتر حسین اکبری

محقق:

مهدی شیر افکن لمسو

شهریور ۱۳۸۶

کتابخانه دانشگاه شهید باهنر کرمان

۱۳۸۷ / ۱۲ / ۲۱

۱۵۵۷۳۵



دانشگاه شهید باهنر کرمان

این پایان نامه به عنوان یکی از شرایط احراز درجه کارشناسی ارشد به

بخش اقتصاد

دانشکده مدیریت و اقتصاد

دانشگاه شهید باهنر کرمان

تسلیم شده است و هیچ گونه مدرکی به عنوان فراغت از تحصیل دوره شناخته نمی شود.

دانشجو: مهدی شیر افکن لمسو

استاد راهنما: دکتر سید عبدالمجید جلابی

استاد مشاور: دکتر حسین اکبری فرد

استاد داور: دکتر شهرام گلستانی

معاونت پژوهشی و تحصیلات تکمیلی یا نماینده دانشکده: دکتر علیرضا شکیبایی

حق محفوظ و مخصوص به مولف است.

این رساله در جلسه مورخ ۱۳۸۶/۸/۲۰ هیأت رسیدگی

با درجه ونمره عالی ۱۸٫۷۵ تصویب و رسیده

تقدیم به

پدر

مادر

همسر

تقدیر و تشکر

اکنون که این پایان نامه به اتمام رسیده لازم می دانم از تمامی کسانی که در تدوین این پایان نامه مرا یاری رسانیده اند تقدیر و تشکر نمایم خصوصا از جناب دکتر سید عبدالمجید جلائی که راهنمایی این پایان نامه را برعهده داشتند.

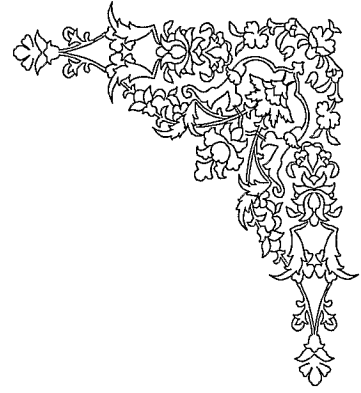
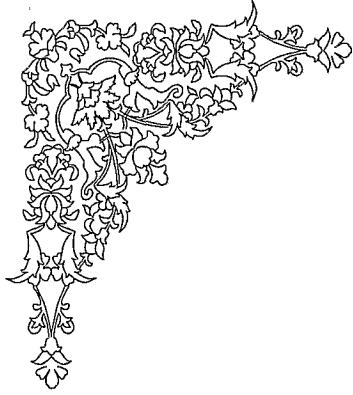
از دوست گرانقدرم جناب آقای مجتبی محمد نژاد که زحمات زیادی در طول این مدت کشیدند.

در پایان از تمام اعضای خانواده عزیزم که با ایجاد شرایط مناسب، امکان ادامه تحصیل و پیشرفت را برایم فراهم نمودند خاضعانه قدردانی می نمایم.

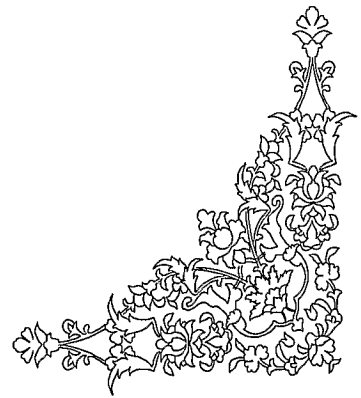
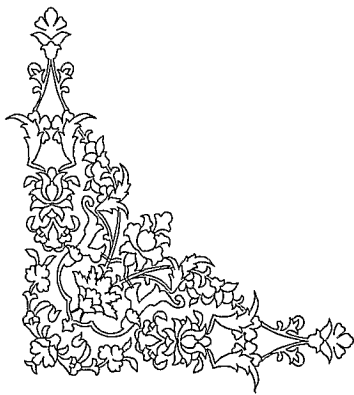
چکیده

شناسایی و تبیین ارتباط بین بیکاری و تورم در اقتصاد کشور، به لحاظ تصمیم‌گیری‌های اقتصادی از جایگاه خاصی برخوردار است. لذا این تحقیق کوششی است در جهت شناسایی روابط دقیق بین پدیده‌های فوق در بلند مدت و کوتاه مدت، بررسی تاثیر گذاری سیاست‌های انبساطی پولی در اقتصاد ایران با توجه به منحنی فیلیپس (نیو کلاسیک‌ها و نیوکینزین‌ها)، نرخ طبیعی بیکاری و نرخ بیکاری متناسب با تورم غیرشتابنده (NAIRU) و بررسی عوامل تاثیر گذار بر این دو متغیر برای دوره زمانی ۱۳۸۴-۱۳۳۸ می‌باشد. بدین منظور از روش‌های سری زمانی مبتنی بر تکنیک VAR و روش‌های ساختاری مبتنی بر تکنیک OLS استفاده شده است. در این تحقیق به منظور تعیین مقادیر غیر قابل مشاهده نرخ تورم انتظاری، نرخ طبیعی بیکاری و تولید بالقوه از روش فیلتر هادریک - پرسکات استفاده شده است. نتایج حاصله تایید کننده نظریات کینزین‌های جدید در اقتصاد ایران با در نظر گرفتن انتظارات تطبیقی و انتظارات عقلایی می‌باشد. یعنی منحنی فیلیپس در اقتصاد ایران با در نظر گرفتن هر دو فرض انتظارات تطبیقی و انتظارات عقلایی در بلند مدت و کوتاه مدت دارای شیب منفی می‌باشد. سیاست‌های پولی انبساطی در تمام موارد فوق می‌تواند متغیرهای واقعی را تحت تاثیر قرار دهد.

واژگان کلیدی: منحنی فیلیپس، انتظارات تطبیقی، انتظارات عقلایی، سیاست‌های پولی، مدل VAR و روش OLS



فهرست مطالب



فهرست مطالب

عنوان صفحه

فصل اول: کلیات تحقیق

۱-۱- مقدمه	۲
۲-۱- بیان مسئله	۲
۳-۱- اهمیت موضوع	۴
۴-۱- پرسش های تحقیق	۵
۵-۱- اهداف تحقیق	۵
۶-۱- فرضیه های تحقیق	۵
۷-۱- تعاریف و مفاهیم	۶
۱-۷-۱- سیاست های پولی	۶
۲-۷-۱- منحنی فیلیپس	۶
۳-۷-۱- بیکاری	۶

فصل دوم: سابقه تاریخی سیاست های پولی و منحنی فیلیپس

و مروری بر مقالات کار شده

۱-۲- مقدمه	۹
۲-۲- سابقه تاریخی منحنی فیلیپس	۹
۳-۲- سابقه سیاست های پولی و انتظارات عقلایی	۱۸
۴-۲- مروری بر مطالعات انجام شده (پیشینه تحقیق)	۲۱
۱-۴-۲- مطالعات انجام شده در خارج از کشور	۲۱
۲-۴-۲- مطالعات انجام شده در داخل کشور	۳۲

فصل سوم: تصریح مدل و انتخاب الگوی مناسب

۱-۳- مقدمه	۳۶
۲-۳- ساختار مدل	۳۶

فصل چهارم: ارایه تخمین و تحلیل نتایج

۱-۴- مقدمه	۴۸
۲-۴- پایه های و روش تحقیق	۴۸
۳-۴- تعیین وقفه بهینه بر اساس معیارهای اطلاعاتی	۴۹
آکایک و شوارتز بیزین	۴۹

- ۴-۴- بررسی ساکن بودن متغیرهای مدل ۵۲
- ۴-۴-۱- آزمون ریشه واحد ۵۲
- ۴-۵- آرایه تخمین و تحلیل نتایج ۵۴
- ۴-۵-۱- نتایج برآورد معادلات مدل نیو کلاسیک ها ۵۵
- ۴-۵-۲- آزمون انگل گرنجر و انگل گرنجر تعمیم یافته برای همجمعی ۶۰

فصل پنجم: نتیجه گیری و پیشنهادات

- ۵-۱- مقدمه ۶۷
- ۵-۲- نتیجه گیری ۶۷
- ۵-۳- پیشنهادات ۷۰
- ۵-۳-۱- پیشنهادهای اجرایی ۷۰
- ۵-۳-۲- پیشنهادهای تکمیلی ۷۰

فهرست جداول

جدول ۱-۴ - مقادیر AIC مربوط به معادله اول مدل	۴۹
جدول ۲-۴ - مقادیر SBC مربوط به معادله اول مدل	۵۰
جدول ۳-۴ - مقادیر AIC و SBC مربوط به معادله دوم مدل	۵۰
جدول ۴-۴ - مقادیر AIC مربوط به معادله سوم مدل	۵۱
جدول ۵-۴ - مقادیر SBC مربوط به معادله سوم مدل	۵۱
جدول ۶-۴ - آزمون ریشه واحد متغیرهای مدل	۵۳
جدول ۷-۴ - مقادیر AIC و SBC مربوط به معادله شماره ۵۰	۵۸
جدول ۷-۴ - مقادیر AIC و SBC مربوط به معادله شماره ۵۱	۵۹
جدول ۶-۴ - نتایج آزمون ریشه واحد جملات خطای مدل	۶۱

فهرست نمودارها

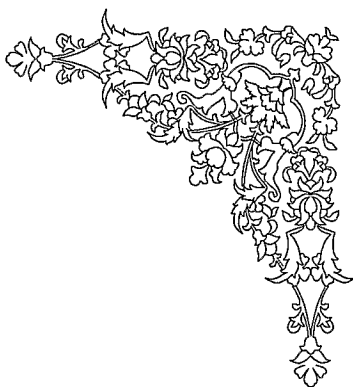
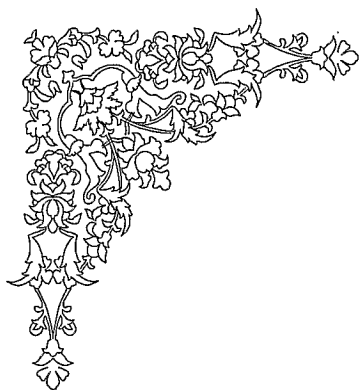
نمودار ۱-۲ - رابطه بین نرخ بیکاری و تورم	۱۲
نمودار ۲-۲ - منحنی فیلیپس بلند مدت و کوتاه مدت از دیدگاه کینزین های جدید	۱۷
نمودار ۱-۴ - نمودارهای اجزای خطای مدل	۶۲

پیشگفتار

بحث میان تورم و بیکاری از مباحث عمده اقتصاد کلان است. بررسی رابطه بین بیکاری و تورم می تواند سیاست گذاران و اقتصاددانان را در بررسی عملکرد اقتصادی یاری دهد. با توجه به اینکه در عصر حاضر که اکثر اقتصادها از تورم و بیکاری رنج می برند کوشش جهت شناسایی روابط دقیق آن ها و تاثیر گذاری سیاست های پولی بر این دو پدیده از اهمیت خاصی برخوردار است. نظرات اولیه در مورد تورم و بیکاری در دهه ۲۰ در قرن بیستم توسط فیشر مطرح شد و سپس در دهه ۵۰ قرن بیستم توسط فیلیپس تحلیل شد که به منحنی فیلیپس مشهور است و بیان کننده رابطه منفی بین تورم و بیکاری است. مطالعاتی که از سال ۱۹۶۰ توسط فریدمن و فلپس در مورد منحنی فیلیپس افزوده شد نقش انتظارات تورمی را در منحنی فیلیپس و انتقال آن مورد بحث قرار دادند و به این نتیجه رسیدند که منحنی فیلیپس افزوده رابطه بین بیکاری و تورم را فقط در کوتاه مدت مورد تایید قرار می دهند و برای بلندمدت صادق نیست یعنی اینکه در بلند مدت منحنی فیلیپس عمودی است و بیان می کند که سیاست های پولی در بلندمدت اثر تورمی دارد.

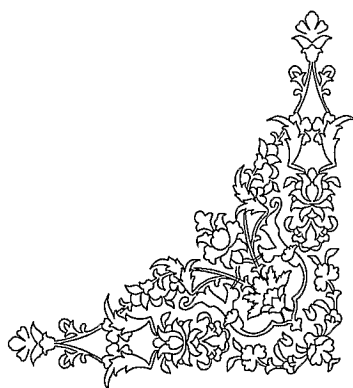
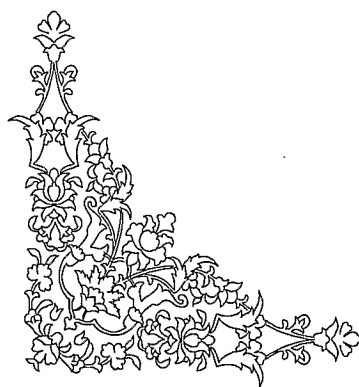
بعد از فریدمن و فیلیپس، کلاسیک های جدید با تاثیر بر شکل گیری انتظارات عقلایی منحنی فیلیپس را هم در کوتاه مدت و هم بلندمدت به صورت عمودی در نظر گرفته و رابطه منفی بین بیکاری و تورم را نفی کردند و بعد از آن ها کینزین های جدید با پذیرش انتظارات عقلایی از یک طرف و ناقص در نظر گرفتن بازارها (چسبندگی قیمت و دستمزدها) از طرف دیگر شکل جدیدی از منحنی فیلیپس را بیان کردند که منحنی فیلیپس را چه کوتاه مدت و چه در بلند مدت با شیب منفی در نظر گرفته و به طوری که در بلند مدت عمودی تر از کوتاه مدت است!

فصل اول به کلیات تحقیق اختصاص یافته است. در این فصل ضمن بیان مسئله تحقیق، اهمیت موضوع، پرسش ها، اهداف و فرضیه های تحقیق، تعاریف و مفاهیم واژه های کلیدی نیز ارائه می گردد. در فصل دوم نیز به ادبیات موضوع و پیشینه تحقیق اختصاص دارد. فصل سوم نیز به تصریح مدل و ساختار الگو می پردازد. در فصل چهارم نیز نتایج تجربی حاصل از تخمین مدل مورد تجزیه و تحلیل قرار می گیرد، در این راستا مباحثی چون پایه های آماری و روش تحقیق مورد استفاده، ارائه مدل نهایی، روش تخمین و تحلیل نتایج حاصل از تخمین مدل، پیامدهای سیاست گذاری در اقتصاد ایران با توجه به منحنی فیلیپس و نوسانات دوره های مختلف مورد بررسی قرار می گیرد. بالاخره نتیجه گیری و پیشنهادات پایان دهنده این پایان نامه می باشد.



فصل اول

کلیات تحقیق



۱-۱- مقدمه

تورم و بیکاری از جمله معضلات مهم اقتصادی می باشند که هزینه های اجتماعی و فرهنگی متعددی را نیز به بار می آورند. اقتصاد ایران بعد از پیروزی انقلاب اسلامی همواره با دو مشکل اساسی تورم و بیکاری روبرو بوده است. حال با توجه به اینکه بررسی رابطه بین تورم و بیکاری می تواند سیاست گذاران و اقتصاددان را در بررسی عملکرد اقتصادی یاری دهد، کوشش برای شناسایی روابط دقیق آن ها و تاثیر گذاری سیاست های پولی از اهمیت خاصی برخوردار است. لذا، با توجه به اینکه در این فصل از تحقیق ابتدا به بیان مساله پرداخته سپس اهمیت موضوع را مطرح کرده آن گاه، پرسش هایی را که در این تحقیق به دنبال پاسخ گویی به آن ها هستیم ارائه نموده و پس از آن اهداف و فرضیه های تحقیق را عنوان کرده و در پایان نیز به تعاریف و واژه های کلیدی پرداخته می شود.

۱-۲- بیان مسئله تحقیق

یکی از اهداف کلان اقتصادی تثبیت سطح قیمت ها و افزایش سطح اشتغال می باشد، بنابراین باید در تصمیم گیری دقت کرد، تا سیاست ها به گونه ای اتخاذ شوند، تا نرخ بیکاری و تورم در اقتصاد کاهش یابد. معضل اقتصاد اغلب کشورها بیکاری بالای نیروی انسانی می باشد. بنابراین کنکاش در مورد بیکاری و ارتباط آن با تورم به دهه های اخیر بر نمی گردد، بلکه در سده های گذشته نیز اقتصاد دانان به دنبال این موضوع بودند. تورم و بیکاری در هر اقتصادی بطور خاص اقتصاد کشورهای توسعه یافته با هم در ارتباط هستند. دیوید هیوم و هنری تورنتون در نظریه پولی خود به این ارتباط اشاره کرده

اند و در سال ۱۹۲۶ اروینگ فشر رابطه بین تورم و سطح بیکاری را به روش آماری به اثبات رساند. در سال ۱۹۵۸ فیلیس رابطه بین تورم و بیکاری را تحلیل نمود. وی این رابطه را بر اساس مشاهدات بیکاری و تغییرات سطوح دستمزد بدست آورد. فیلیس پی برد که یک رابطه مبادله بین بیکاری و تورم در انگلستان وجود دارد. تا دهه ۱۹۶۰ بحث بر این بود که به دلیل رابطه مبادله ای که بین بیکاری و تورم وجود دارد هر سیاستی توسط دولت برای کاهش بیکاری ممکن است منجر به افزایش تورم شود. در دهه ۱۹۷۰ به واسطه شوک های نفتی متوجه شدند، که در کشورهای جهان بیکاری و تورم توأم با هم در حال افزایش هستند، در نتیجه عقیده اقتصاد دانان تا آن زمان متوجه رابطه منفی میان بیکاری و تورم بوده، تغییر کرد. همین مساله باعث شد که اقتصاددانان برای توضیح این وضعیت کوشش نمایند، که یکی از مشهورترین آن ها فریدمن بود.

فریدمن منحنی فیلیس افزوده (الحاقی) و بدنبال آن بحثی را در ارتباط با نرخ طبیعی بیکاری مطرح کرد. فریدمن بین کوتاه مدت و بلند مدت تفاوت قائل شده و بیان نمود که در کوتاه مدت شیب منحنی فیلیس منفی است، اما در بلند مدت شیب منحنی فیلیس در سطح بیکاری طبیعی عمودی بوده و هیچ گونه مبادله ای بین تورم و بیکاری وجود نداشته و در نتیجه قدرت سیاست های اقتصادی در کوتاه مدت و بلند مدت متفاوت است. به عبارت دیگر هر چند در کوتاه مدت سیاست های اقتصادی بر روی متغیرهای واقعی اثر گذار است اما در بلند مدت این مساله شکل نمی گیرد. بعدها با شکل گیری مکتب نیو کلاسیک ها و در نظر گرفتن انتظارات عقلایی، لوکاس مرگ منحنی فیلیس را اعلام کرد و عنوان نمود که منحنی فیلیس در هر حالتی عمودی است و در نتیجه چنین وضعیتی هم در کوتاه مدت و هم در بلند مدت سیاست های اقتصادی خنثی هستند. پس از آن ها نیوکینزین ها با پذیرفتن انتظارات عقلایی از یک طرف و ناقص در نظر گرفتن بازارها (چسبندگی قیمت و دستمزد) از طرف دیگر بیان کردند که منحنی فیلیس در کوتاه مدت و بلند مدت دارای شیب منفی است. اما شیب این

منحنی در بلند مدت بیشتر از شیب آن در کوتاه مدت است به همین دلیل در بلند مدت اثر سیاست های اقتصادی تا حدودی خنثی می شود، اما چون هنوز هم یک حالت منفی وجود دارد سیاست های اقتصادی میتواند اثر گذار باشند. در این راستا اقتصاد ایران از سایر اقتصادهای جهان مستثنی نبوده، لذا کشف رابطه بین تورم و بیکاری به لحاظ تصمیم گیری های اقتصادی و تاثیر گذاری سیاست پولی از اهمیت ویژه ای برخوردار است. بنابراین سوال اساسی تحقیق این است که آیا سیاست های پولی در ایران از طریق تاثیری که بر تورم می گذارند می تواند به تعدیل بیکاری در ایران کمک کند یا خیر؟ ابتدا برای پاسخ به این سوال با توجه به شاخص هایی (حجم پول و ضریب تغییرات اعتبارات داخلی) تاثیر گذاری سیاست های پولی (انبساطی) را بر روی تورم بررسی نموده و سپس منحنی فیلیپس برای اقتصاد ایران با توجه به انتظارات تطبیقی و عقلایی تخمین زده می شود تا با استفاده از تحلیل منحنی فیلیپس در ایران تاثیر گذاری سیاست های پولی بر روی سطح بیکاری بررسی شود. به این معنی که اگر رابطه منحنی فیلیپس در اقتصاد ایران برقرار بود، آن گاه سیاست انبساطی پولی سبب کاهش سطح بیکاری می شود و در نتیجه سیاست انبساطی پولی در ایران کارا خواهد بود، و بر عکس. اگر رابطه منحنی بین بیکاری و تورم برای اقتصاد ایران تایید نشود آن وقت سیاست های پولی کارائی نخواهد داشت.

۱-۳- اهمیت موضوع

هر کشوری از جهت نیل به هدف های اقتصادی خود برنامه ویژه ای را در چارچوب سیاست های اقتصادی اتخاذ می کند. همه اقتصاددانان معتقدند که مهم ترین هدف های سیاست گذاری های اقتصادی حصول اشتغال کامل، تثبیت قیمت ها، ایجاد تعادل در تراز پرداخت های خارجی و رشد اقتصادی می باشند. برای تحقق هدف های فوق عمدتاً از سیاست های پولی و مالی استفاده می کنند،

که بر متغیرهای حقیقی اقتصاد اثر می گذارد. لذا هدف تحقیق حاضر بررسی اثر گذاری و کارایی سیاست های پولی در ایران با توجه به وضعیت منحنی فیلپس است.

۴-۱- پرسش های تحقیق

۱. آیا منحنی فیلیس در اقتصاد ایران معنی دار است؟
۲. آیا سیاست های انبساطی پولی بر متغیرهای حقیقی تاثیر گذار است؟
۳. شیب منحنی فیلیس در کوتاه مدت و بلند مدت چگونه است؟

۵-۱- اهداف تحقیق

اهداف تحقیق حاضر را می توان بصورت زیر خلاصه کرد:

۱. برآورد ساختار اصلی منحنی فیلیس در اقتصاد ایران برای تحلیل بیکاری.
۲. مشخص کردن کارایی سیاست های پولی برای رسیدن به یکی از اهداف کلان اقتصادی یعنی ایجاد اشتغال.
۳. تعیین رابطه تعاملی بین سیاست های پولی و سطح اشتغال از طریق نقشی که این سیاست ها بر سطح تورم در کشور در کوتاه مدت و بلندمدت دارند.

۶-۱- فرضیه های تحقیق

فرضیه های تحقیق عبارتند از:

۱. بین بیکاری و تورم در ایران رابطه علی وجود دارد.
۲. بین سیاست های پولی انبساطی و نرخ بیکاری در ایران از طریق رابطه مبادله ارتباط معنی داری وجود دارد.
۳. شیب منحنی فیلیس هم در بلندمدت و هم در کوتاه مدت نزولی می باشد.

۱-۷-۷- تعاریف و مفاهیم

۱-۷-۱- سیاست پولی

سیاست پولی آن دسته از عملیات بانک مرکزی است که با هدف تغییرات نرخ بهره و با استفاده از تغییرات حجم پول اعمال می گردد.

سیاست پولی به عنوان یکی از موثرترین سیاست های اقتصادی، با تنظیم و تعدیل نرخ رشد نقدینگی موجب تثبیت قیمت ها شده و زمینه مناسب و مطمئنی را برای کارگزاران اقتصادی در امر تصمیم گیری های اقتصادی فراهم می آورد.

۱-۷-۲- منحنی فیلیپس

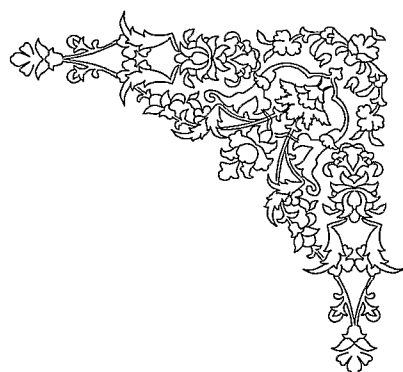
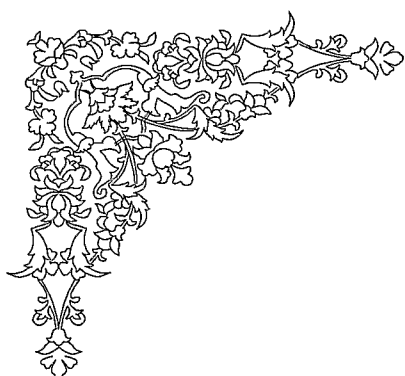
منحنی فیلیپس میزان تغییر دستمزدها را به سطح بیکاری ارتباط می دهد. در واقع منحنی فیلیپس نشان می دهد که یک جریان مبادله ای میان تورم در دستمزد و بیکاری وجود دارد. این منحنی مبین چنین معناست که سیاست گذاران می توانند ترکیب های مختلفی از بیکاری و میزان تورم در دستمزد را انتخاب کنند. واژه منحنی فیلیپس اکنون اکثر مواقع برای بیان رابطه ای میان میزان تغییر در قیمت ها (میزان تورم) و میزان بیکاری مورد استفاده قرار می گیرد.

۱-۷-۳- بیکاری^۱

بیکاری عبارت از عدم استفاده کامل از نیروی کار موجود است. البته عدم استفاده کامل در مورد تمامی منابع مصداق دارد ولی در اذهان عمومی بیکاری به منابع انسانی اطلاق می شود. دلیل این امر علاوه بر مسئولیت انسان نسبت به تامین معاش خانواده، تابعیت سایر منابع از بیکاری نیروی

^۱.Unemployment

کار است . به طور دقیق تر بیکار به فردی اطلاق می شود که بین ۶۴-۱۵ سال سن داشته و شاغل نباشد اما در طول چهار هفته گذشته فعالانه در جستجوی کار بوده و یا انتظار بازگشت به کار را داشته باشد.



فصل دوم

مبانی نظری و مروری بر مطالعات انجام شده

